**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**وجوه اشتراک و افتراق شیوه استنباطی مرحوم میرزای قمی و مرحوم روحانی**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و پنجم\_2 بهمن 1398**

در مساله انسداد از بین علمای گذشته چنان که بارها گفته ایم مرحوم میرزای قمی چنین اعتقادی دارد و از بین معاصرین مرحوم روحانی در منتقی الاصول، منتها بین این دو بزرگوار هم شباهت هایی است هم افتراق های جدی. در عین آنکه هر دو جز خانواده انسداد هستند. امروز ان شاء الله سعی می کنم این وجوه اشتراک و افتراق بین این دو مبنا را عرض کنم. البته نسبت به میرزای قمی راحتیم چون بارها نظر ایشان را گفته اییم.

1. نکته اول اینکه مرحوم میرزای قمی معتقد است که ظهورا تفهیم برای مقصودین به افهام معتبر است و من لم یقصد افهامه ظهور در حق او حجیتی ندارد از باب ظن خاص.

منتقی الاصول اصل این مبنا را در جلد 4، ص 215 می پذیرد. می گوید این تفسیر، تفسیر درستی است، چون متکلم همیشه در مقام بیان مراد واقعی خود است و اگر بخواهد خلاف ظاهر را اراده کند و قرینه ایی را نصب نکند که ان قرینه برای مخاطب معلوم نباشد، این خلف فرض کونه فی مقام التفهیم است.

سوال: چرا ظواهر حجت هستند؟

جواب: چون ما یک پیشفرض داریم و آن این است که متکلم حکیم در مقام تفهیم مراد واقعیش هست و اگر در مقام تفهیم است و چیزی غیر از ظاهر را اراده کرده است لکان علیه البیان. حال اگر جمله­ایی گفت و قرینه­ایی نیاورد بگویید خلاف ظاهر اراده کرده است این خلف فرض بحث ماست که گفتیم او "فی مقام التفهیم" است نمی شود انسان "فی مقام التفهیم" باشد و خلاف ظاهر را اراده کرده باشد وقرینه اقامه نکرده باشد.

این وجه حجیت از نگاه ایشان که بر می گرد به خلف.

حال حرف ایشان این است که این خلف فقط در مقصودین به افهام قابل قبول است نه در غیر مقصودین به افهام. اذ لا خُلفَ فی ارادة خلافِ ظاهرِ کلامِه معَ نصبِ قرینةٍ لم یعلمها مَن لم یقصد افهامَه و علِمَها من قصد افهامه.

چه مانعی دارد من بخواهم مطلبی را به شما که در جلسه من الان حاضرید برسانم که خلاف ظاهر حرفم باشد ولی با همدیگر یک قرینه ایی داریم. کسی که بیرون از کلاس است و من نمیخواهم که او حرف من را بفهمد او از این قرینه اطلاعی ندارد. مشکلی ندارد که من اعتماد کنم که بین من و مخاطب هستم و جمله ایی را بگویم و خلاف ظاهرش را اراده کنم و ان کسی که مخاطب من نیست از این قرینه بی خبر است و طور دیگری می فهمد او مخاطب من نیست و مقصود به افهام من نیست. این خلف فرض تفهیم در مقام گفتوگو نیست. بنابراین کسی که مقصود به افهام نیست حق ندارد احتجاج کند به سخن این متکلم و مراد او را بازگویی کند اذ لعَّلَه نصب قرینه خفی علیه علِمَها المُخاطَب فقط.

این بیان و تحلیل منتقی الاصول از اینکه ظهور حجت اند برای مقصودین افهام. تا اینجا اصل مبنا با میرزا مشترک است ولی در کیفیت مبنا تفاوت هایی با میرزا هست.حال اگر خواستید مراجعه کیند صفحه 213همین منتقی بیان میرزا را اورده است و قوانین را مراجعه کیند قبلا هم گفتیم.

پس در اصل مدعا مشترک اند و لی در کیفیت تبیین تفاوت هایی هست.

1. مرحوم میرزا فرمود اخبار صادره از اهل بیت علیهم السلام لا یکون ظاهرها حجة بنسبة الینا من باب الظن الخاص و مقصودین به افهام خصوص مخاطبین هستند اما نحنُ فلسنا مقصودین بافهام.

بله میرزا از باب ظن مطلق ظواهر را حجت کرد اما نه از باب ظن خاص.

این فرمایش میرزا.

منتقی در ص 214، یک مطلبی را می گوید و آن این است که ما فرض می کنیم که ما در این عصر و زمان مقصود به افهام نیستیم در ان جمله امام، فرض می کنیم امام صادق وقتی یک جمله ایی را گفت ما مقصود به افهام نیستیم و اگر هم مقصود به افهام نیستیم طبق مسلک ما ظاهر برای ما نباید حجت باشد ولی ظواهر اخبار برای ما حجت است حتی اگر ما مقصود به افهام امام نباشیم. ولی خب امام به زراره فرموده است. زراره که مقصود به افهام است. دیگر در حجیت قول امام برای زراره که شک و تردیدی نداریم. زراره امده است این را برای راوی بعدی نقل کرده است. آیا وقتی می خواسته است این مطلب را برای راوی دوم نقل کند همینطور نقل لفظ بوده است یا می خواسته است یک مطلبی را بفهماند و قصد تفهیم داشته است؟ نمی شود زراره قصد تفهیم نفر بعدی را داشته باشد و خلاف ظاهر را اراده کرده باشد و قرینه ایی اقامه نکرده باشد و الا این همه سفارش در نقل حدیث وترغیب در نقل روایت چه معنا داشت. نفر دوم که فرض کنید محمد بن مسلم است. پس زراره مقصود به افهام امام بود و هیچ قرینه ایی هم بر خلافش برای زراره نباید باشد. همانطوری که امام برای زراره نقل کرده است زراره باید برای محمد بن مسلم باشد والا هیچ فایده ایی ندارد حدیث نقل کند . همین طور ادامه دارد تا برسد به کتابی که این کتاب حدیث را اورده است. معلوم می شود این ها با تمسک به قاعده ایی مسلمه لدی الکل به نام قاعده اشتراک در تکلیف، خواسته اند مقصود جدی و مراد جدی امام را بیان کنند. احتمال اینکه زراره یا ان روات بعدی، قرائنی بوده است و غفلت کرده اند از بیان آن قرینه، خلاف اصل است. احتمال اینکه این ها خیانت کرده اند خلاف فرض وثاقت است. اذا فخبر زراره حجه بالنسبة الینا.

البته این ها همه اش بر فرض این است که بگوییم ما مخاطب امام نیستیم والا اگر گفتیم در این احادیث ما هم مخاطبیم که دیگر بحثی نمی ماند.

**افتراق محقق قمی از منتقی الاصول**؛

محقق قمی تفصیل به افهام و غیر انها را عدم حجیت ظواهر از باب ظن خاص گرفت و بردش از باب ظن مطلق. اما مرحوم روحانی این را از مصادیق ظن خاص می گیرد.

1. در صفحه 330 منتقی الاصول ایشان مثل میرزای قمی می گوید خبری حجت است که مفید اطمینان باشد ولی ما آنقدر خبر نداریم که اطمینان به صدورش داشته باشیم و برای معظم فقه کافی باشد؛ چون باید به این تعدیل ها و این توثیق های رجالیون اعتماد بکنیم و این تعدیل ها وثوق به خبر نمی اورد و لیس لدینا حسن الظن بالتعدیل بالنحو الذی ینفی احتمال اشباه الموثق لدیناو انما ناخذ به من باب التعبد. پس این مقدمه که انسداد باب علم و علمی باشد ثابتة تامه.

مرحوم میرزای قمی انسداد باب علمی را فقط مختص سند و علم رجالی نمی کند ولی ایشان انسداد را از باب انسداد علم رجال اثبات می کند ولی به هر حال با یکدیگر معتقدند که باب علمی منسد است لذا ایشان را جز خانواده انسداد می دانیم.

1. در صفحه 358 و 359 منتقی الاصول ، ایشان در انجا از میرزا باز جدا می شود می گوید جناب میرزا انسدادی شد و سراغ حجیت مطل ظن رفت ولی من در باب علمی انسدادی شدم ولی سراغ اخبار می روم از باب احتیاط. کدام اخبار؟ اخباری در کتب معتبرة موجود هستند که این را مفصل توضیح دادیم. چرا سراغ اخبار می روم از باب احتیاط و اجماع شهرت و روایات در کتب غیر معتبره را کنار می گذارم. چیز های که میرزا کنار نگذاشت را چرا من کنار می گذارم؟ آن هم در حد واجبات و محرمات نه بیشتر؟ به دلیل انحلال.

می گویم ان علم اجمالی ما به وجود تکالیف در بین کتب معتبره و کتب غیر معتبره. ان علمی اجمالی کبیر منحل می شود به علم اجمالی صغیر در دایره روایات کتب معتبره و اگر در اینجا در خصوص واجبات و در خصوص محرمات احتیاط کردم و عمل به اخبار کردم، عسر و حرجی لازم نمی آید چون دایره را خیلی ضیق کردم. ان چیزی که عسر وحرج اور بود ان علم اجمالی کبیر بود.

ایشان تشبیه کرد که اگر 10 ظرف داشته باشید 5 ظرف سیاه و 5 سفید و علم اجمالی دارید که یکی از این 10 نجس است حال اگر در همین جا علم اجمالی پیدا کردید که ان نجس در ظرف های سیاه است خب ان علم اجمالی اول یزول قطعا. ان علم اجمالی انحلال قطعی پیدا می کند.

و ما نحنُ فیه من هذا القبیل لانَّه و ان عُلِمَ اجمالا بثبوت الاحکام بین مطلق الوقائع المحتمله الا انّه فی الوقتِ نفسِه یُعلَم اجمالاً بِثُبُوت احکام بین الاخبار که ان اخبار در کتب معتبره است.. و اذا ثبت لدینا انحلال العلم الکبیر بالعلم الاجمالی بثبوت الاحکام فی ضمن الاخبار الواصله الینا فی الکتب المعتبره اختل دلیل الانسداد لانّ الاحتیاط فی دائرة الاخبار لا محضورَ فیه من اختلال نظام او حرج.

پس ولو من از این باب که یک مقدمه میرزا را قبول کردم و ان انسداد باب علمی بود انسدادی هستم ولی نتیجه میرزا را که حجیت ظن مطلق باشد قبول نکردم، از این جهت انسدادی نیستم. برای من روایات کتب معتبره از باب احتیاط مراجعه می کنم پس ایشان نه انفتاحی به ان معناست نه انسدادی. بله شباهت مسلک ایشان به انسداد بیشتر است.

ان شاء الله فردا نقد مبنای ایشان.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.